

انضباط

طباطبائی

تجربه‌ها و توجه کامل به نتایج تحقیقات علمی نمیتوان آنها را شناخت .

علت انتقاد مردم از نحوه انضباط مدارس آنستکه معنی و مفهوم انضباط صحیح برای معلمان و مردم روشن نیست . آزادی اطفال جرات و شهامت آنها در اظهار عقیده ، رفت و آمد آنها در داخل کلاسها ، دست زدن به فعالیت‌های مختلف ، شور و بحث با هم ، گفت و شنود طبیعی و بدون واژه با معلمان و مقامات دیگر بنظر اینان دلایل بارزی است بر بی انضباطی . بعکس آرامش ظاهری اطاعت از روی ترس ، احترام به معلمان به منظور فرار از تنبیه و یا بدست آوردن امتیازهای لازم نشانه‌هایی است از انضباط واقعی . قضیه درست بعکس است . آنچه در کلاسهای مدارس مترقی میگردد عین انضباط و سکوت مرگبار کلاسهای قدیمی که موجب تکوین شخصیت‌های ناهنجار است بی انضباطی بمعنی واقعی آن است .

برای پرورش شخصیت صحیح در افراد و برقراری نظم بمنظور ایجاد یک محیط مساعد و سالم برای یادگیری باید ابتدا به هدف اصلی انضباط واقف شویم و سپس راه و رسم پرورش آنرا بررسی کنیم .

برقراری انضباط برای معلمان تازه کار موضوعی است بس غامض و دشوار ، معلمان با سابقه با آنکه با مظاهر مختلف کلاسداری و مفهوم انضباط آشنائی کامل دارند اطلاعات آنها در این زمینه ناقص و یا ناسازگار با یافته‌های علمی و آموزشی است صحت عقیده پدران و مادران در این باره نیز در خور تردید است ، برقراری انضباط و فراهم آوردن محیط مساعد برای یادگیری اصولاً یکی از مشکلترین قسمتهای آموزش و پرورش است و رسیدن به هدفهای آن حوصله ، اطلاعات کافی ، و فهم و تحقیق و مطالعه میخواید . استفاده از روشهای معمول و بی اعتبار اغلب بجای معالجه اطفال را ناسازگارتر میکند .

در سالهای اخیر تحقیقات دامنه‌دار در روانشناسی ، روانپزشکی و مطالعه احوال جوانان تبه‌کار اطلاعات بسیار مفیدی در زمینه انضباط و روش استفاده از آن بدست داده است و معلمان و پدران و مادران را در راه پرورش شخصیت سالم روحیه درست و انضباط واقعی یاری بخشیده است . بطور کلی علت دشواری کار آنستکه عوامل موجب ناسازگاری اغلب بمشاهده در نمیآیند و بدون تجزیه و تحلیل موفقیت‌ها و استفاده از

آیا می‌خواهیم اطفال بکلی تحت سلطه
معلمان و پدران و مادران خود باشند و بدون
دستور و تجویز آنها بهیچ حرکت و عملی
نپردازند؟ آیا می‌خواهیم جوانان را بکلی
بحال خود رها کنیم تا بر اثر تجربه‌های
شخصی و سعی و سهوهای متوالی و زیاد بمعنی
و مفهوم انضباط و لزوم آن واقف گردند؟

آیا کمک به اطفال در درک و تشخیص رفتارهای
پسندیده اجتماعی را مطیع نظر خود قرار
میدهیم و هدایت و راهنمایی آنها را وظیفه
اصلی خود میدانیم؟ اگر نظر اول را صحیح
بدانیم باید اطفال مدارس را بمانند
سربازان تربیت کنیم و لزوم اطاعت از مافوق
و رعایت بدون چون و چرای دستورها را در
نهاد آنها پرورش دهیم در چنین نوع تربیت
اجبار لازمه معتاد ساختن شاگردان باطاعت
است و اعمالی از قبیل چوب زدن، آزار
دادن، ملامت کردن و وادار ساختن ایشان
به عذر خواهی رواج پیدا میکند.

اگر نظر دوم را درست بدانیم باید به
لزوم قانون و رعایت نظم و ترتیب بی اعتنا
باشیم و از مسئولیت‌های خود برای هدایت و
راهنمایی اطفال شانه خالی کنیم بالاخره اگر
از نظر سوم پیروی کنیم برای پرورش انضباط
درون خویشتن داری و ملاحظه دیگران می -
کوشیم و افرادی سالم برای زندگی در یک
محیط آزاد تربیت میکنیم. مدارس جدید
از نظریه اخیر پیروی میکنند. معلمان این
مدارس میدانند که اطفال موجوداتی در حال

رشد هستند و لذا گاه و بیگاه اعمالی از آنها
سرمیزند که با روش معمول آنها متفاوت و
ناسازگار است. باین حقیقت واقف اند که
بسیاری از اعمال اطفال که بنظر بزرگسالان
غیر طبیعی تلقی میشود برای خود اطفال
کاملاً عادی و طبیعی است.

بدون تردید انضباط لازمه انجام هر نوع
کار است و یادگیری بدون محیط مساعد صورت
نمیگیرد. اطفال باید خواه ناخواه به نظم و
ترتیب خو گیرند و به این منظور تنبیه آنها
گاهی لازم است. اما باید بدانیم که فشار
دائمی به اطفال و گرفتن هر نوع آزادی و
فرصت تربیت از آنها - تمسخر و تهدید و
واداشتن آنها به اطاعت و اعتراف به گناهان
و عذرخواهی هدف اصلی نیست مقصود
همانگونه که ذکر شد تربیت افرادی است
متعادل سازگار مطمئن که احساس مسئولیت
کنند و با ملاحظه و رعایت حقوق دیگران
از آزادی کامل برخوردار شوند. تحقق
چنین آرزویی بزرگ بدون دادن فرصت به
نوجوانان برای قبول مسئولیتهائی متناسب
با توانائی و پختگی آنان غیر ممکن است.
مربیان باید بدانند که تربیت طفل اساس کار
است نه راحتی آنان. اگر در حین تربیت
اجباری لازم آید باید با توجه کامل به اثرها
و عواقب آن در شخصیت طفل دنبال گردد
طفل باید مالا توقع و انتظار معلمان و پدران و
مادران را بفهمد و رفتار خود را برطبق آنها
طرح ریزی کند والا فشار و تنبیه همواره لازم

است و برای همیشه باید ادامه یابد . حقیقت مطالب آنستکه طرفداران عقیده لزوم نظارت دائمی و تنبیه از ناکامیها و سرخوردگیهایی نظیر آنچه که اطفال را به بی انضباطی میکشاند برخوردارند و بهمین دلیل بخرای طفل جنبه شخصی میدهند و عمل اورالطمه‌ای به شخصیت خود میدانند . دچار عواطف شدید میشوند و ناخودآگاه به اعمالی بی-اعتبار و خشونت آمیز دست میزنند و اطفال را بدون دلیل تنبیه میکنند . مطالعه سیر تحول تنبیه بسیار جالب است ابتدا تنبیه برای آزار دادن و انتقام کشیدن بود سپس بمنظور تلافی و مقابله با عمل خطای طفل صورت گرفت شعار طرفداران این عقیده چنین بود : ((کسیکه خطا میکند باید طعم نتیجه و عاقبت آنرا بچشد)) تنبیه بمنظور عبرت دیگران بعدا بوجود آمد . خاطی را در میدان عمومی شهر شلاق میزدند و یا او را بدار میآویختند تا دیگران بترسند و باعمال ناهنجار مبادرت نورزند . در مدارس طفل را در گوشه‌ای نگاه میداشتند و کلاه شیطانی بر او میگذاشتند و ملاحظه میفرمائید که تکنیکها همان روشهای دوره انتقامجویی است ولی هدف عبرت سایرین است . باید بدانیم که استفاده از ترس برای تربیت صحیح مردم یکی از بی-اعتبارترین روشهایی است که متاسفانه مدتها ملاک عمل بوده و هنوز نیز در بسیاری از ممالک دیده میشود . باید مردم مالا

تشخیص دهند کار صحیح لازم است و لزوم مبادرت بآن از چه بابت است . مدتی گذشت تا نظریه مداوا و معالجه پیش آمد . این نظریه تحت تاثیر تحقیقات تربیتی پدید آمد . باین معنی که تحقیقات جامع شناس روانشناسی و روابط متقابل افراد ثابت کرد که در اغلب موارد تقصیر بگردن شخص خاطی نیست بلکه عوامل اجتماعی و نحوه زندگی ممکن است در بروز عمل خطا موثر باشند . پیروان این نظریه نجات و اصلاح فرد و سازگار ساختن او را با اجتماع لازم میدانند و روشهای خود را براین مبنا طرح-ریزی میکنند . اینها میکوشند ابتدا درد را تشخیص دهند و سپس بمعالجه آن پردازند تحلیل رفتارهای ناهنجار شاگردان بررسی علل آن و تعلیم مجدد خاطیها در مدارس مخصوص بهمین منظور است .

نظریه پیشگیری :

این نظریه از کلیه تحقیقات جدید تعلیم و تربیت ناشی شده و مورد قبول است . هدف این نظر جلوگیری از بوجود آمدن شرایط موجب خرابکاری است . طرفداران این نظریه معتقدند که در صورت موجود بودن شرایط مساعد رفتار افراد شایسته خواهد بود . طبق این نظریه افراد در بدو تولد بد یا خوب نیستند بلکه دارای استعداد هستند و میتوانند تحت شرایط مختلف چیزهای خوب یا بد را بیاموزند مدارس که از این نظریه پیروی میکنند

معتقدند که انضباط و نظم و تربیت در قبال یادگیری و محیط مساعد بوجود میآید . برنامه مناسب با استعداد شاگردان ، معلمان کارآموده ، وسائل کافی و نظایر آنها موجب پیدایش انضباط در افراد میشود . تعلیم و تربیت با پیروی از این عقیده میکوشد از طریق ایجاد فرصت‌های مناسب افرادی پرورش دهد که برای رفتار خوب و منطبق با خواسته‌های اجتماع ارزش قابل شوند و دارای وجدان اجتماعی باشند .

حال باید پرسید که انضباط و وجدان اجتماعی چگونه بوجود میآید و راه پرورش آن چیست ؟ با توجه به هدفهای انضباط که در مقدمه این فصل باختصار مورد بررسی قرار گرفت سه راه بنظر میرسد :

۱- بمحض بروز رفتار خلاف فرد خاطی را مورد ملامت و سرزنش قرار دهند و از تنبیه او خودداری نکنند .

۲- نسبت به عمل خلاف او بی اعتنا باشند و بگذارند تا خود به نتایج عملی که مرتکب شده است واقف گردد .

۳- هدایت فرد خاطی را بعهده گیرند و با ایجاد محیط مساعد با دادن نمونه و سرمشق با توضیح صادقانه درباره عمل خلاف و عواملی که موجب آن شده است و دادن فرصت کافی به وی برای تأمل و تجزیه و تحلیل عمل خود و نتایج آن در اجتماع موجبات پرورش او را فراهم سازند . برای آنکه در راه پرورش روحیه درست و

انضباط درون موفق تر باشیم بهتر است ابتدا اعمال خلاف را از جهات مختلف طبقه بندی کنیم و برای جلوگیری از بروز آنها روشهای مناسب اتخاذ کنیم . آنچه ذیلا نگاشته میشود یکی از انواع طبقه بندی است که ممکن است مربیان را یاری دهد .

۱- اعمال ناهنجار که موجب اصلی آنها انرژی زیادی افراد است .

نجوی کردن - حرکت زیادی تکان دادن دست و پا - پرت کردن اشیاء یا بنظر طرف و آنطرف - دنبال هم دویدن - نوشتن یا کندن نام خود در روی میز - خوردن آدامس اد و اصول درآوردن - خط خط کردن تخته - صداهای عجیب و غریب از خود درآوردن - یادداشت نوشتن برای یکدیگر ورد کردن آن از زیر میزها - بسرهم پیریدن - از روی میزهای کلاسی پیریدن یا از زیر آنها گذشتن - زرمه کردن - بیکدیگر برجسب زدن - اشکال مضحک کشیدن - قفلک دادن و اذیت کردن با صدای بلند خندیدن - پشت پا زدن - وارونه کردن میزها و صندلیها و بسیاری از اعمال دیگر .

اطفالیکه با اعمال فوق دست میزنند افرادی هستند سالم با نشاط دارای انرژی زیاد که کار جالبی برای انجام دادن و مشغول داشتن خود ندارند و لذا برای سرگرمی خود بدون کوچکترین نظر سوء و قصد مزاحمت دیگران به اینگونه اعمال دست میزنند . بقیه در شماره آینده